

بررسی عوامل تعیین کننده رشد قیمت گوشت قرمز

● سید حسن کاظمی

دفتر مطالعات جامع و نظارت
آذرماه ۱۳۷۴

● پیشگفتار

گزارشی که پیش رو دارید، تلاشی در راستای بررسی و تجزیه و تحلیل چگونگی سطح قیمت گوشت قرمز، در اقتصاد کشور است. در این گزارش، ضمن ارائه آمار و اطلاعاتی از روند عمومی سطح قیمت، به شاخص قیمت گوشت قرمز در گروههای اصلی تفکیک شده، توسط بانک مرکزی اشاره شد و روند رشد شاخص گوشت قرمز، مدنظر و مورد بررسی قرار گرفته است. در این گزارش، سعی شده است تا نسبت به روند رشد قیمت گوشت قرمز، توجهات لازم ارائه شود. امید است، این تحلیل به سهم خود، در رفع موانع تولید و رشد اقتصاد کشور، مؤثر واقع شود.

● مقدمه

بررسی روند سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات مصرفی نشان می‌دهد که اقتصاد ایران، در فاصله سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۴ در دو مقطع، مسیر رو به تزیاید خود را تشدید نموده است. مقطع اول، پس از افزایش قیمت نفت، در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است و مقطع دوم، پس از اتمام جنگ تحمیلی و شروع برنامه اول توسعه (۷۲ - ۱۳۶۷)، که علیرغم تمهیدات فراوانی که تاکنون اندیشیده و اجرا شده است، به دلایل فنی، نه تنها روند و سیر عمومی قیمتها، کنترل و کاهش نیافته؛ بلکه، همواره فزاینده بوده است.

گوشت قرمز نیز، که از جمله مواد غذایی و یکی از مهمترین اقلام پروتئین حیوانی در سبد مصرفی خانوارها تلقی می‌شود، همواره در بستر عمومی روند فزاینده قیمتها قرار داشته و در برخی مقاطع، عوامل خاصی سبب رشد سریعتر و بیشتر و گاهی سبب کنترل رشد آن شده است. آنچه در این گزارش مدنظر و مورد بررسی قرار خواهد گرفت، در پاسخ به این سؤال است که آیا افزایش قیمت گوشت قرمز، بخصوص، در سال جاری، ناشی از چه عوامل و مولفه‌هایی می‌باشد.

گزارش حاضر، از سه فصل تشکیل یافته است: در فصل اول، نیم نگاهی به روند شاخص کل بهای عمده فروشی کالاها در کشور و همچنین روند شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری خواهد شد و به بررسی روند قیمتی گروه مواد خوراکی و

بخصوص، اقلام پروتئینی و مواد غذایی نیز، پرداخته می‌شود. در فصل دوم، عوامل اصلی و ساختاری مؤثر در تعیین قیمت گوشت، مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت در فصل سوم، چگونگی برقراری تعادل در بازار نیز، مورد اشاره واقع می‌شود و سرانجام به نتیجه گیری مباحث ارائه شده خواهیم نشست.

فصل اول - بررسی روند شاخص کلی قیمت کالاها در ایران

شاخصهای قیمتی در این فصل، در قالب شاخص کل بهای عمده فروشی و خرده فروشی کشور و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری، به شرح زیر، مورد نظر قرار خواهد گرفت.

بخش اول - بررسی روند شاخص کل بهای عمده فروشی کالاها در ایران

بر اساس ارقام جدول شماره ۱، متوسط شاخص کل بهای عمده فروشی کالاها در ایران (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹)، از ۵ در سال ۱۳۴۰ به ۸۰/۷ در سال ۱۳۵۳ و از ۹/۲ در سال ۱۳۵۴ به ۸۰/۷ در سال ۱۳۶۸ و از ۱۰۰ در سال ۱۳۶۹ به ۴۵۰/۹ در پایان شهریور سال ۱۳۷۴، رشد یافته است. به عبارت دیگر، در فاصله ۱۳ سال (از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۳) شاخص فوق ۲ برابر و در فاصله ۱۴ سال (از ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۸) این شاخص ۷/۸ برابر و در فاصله ۵ سال (از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴) ۴/۵ برابر شده است، که نشان دهنده چگونگی رشد قیمت عمده فروشی کالاها در کشور می‌باشد.

در میان گروههای عمده، شاخص عمده فروشی، کالاها و خدمات صادراتی با ضریب اهمیت ۸/۳۳ درصد از ۱۰۰ در سال ۱۳۶۹ به ۳۷۳/۵ و شاخص گروه عمده فروشی کالاها و خدمات وارداتی با ضریب اهمیت ۳۳/۹۴ درصد از ۱۰۰ در سال ۱۳۶۹ به ۴۹۸ و شاخص گروه عمده فروشی کالاها و خدمات تولید شده در کشور، با ضریب اهمیت ۵۷/۷۳ درصد از ۱۰۰ به ۴۳۴/۳ در سال ۱۳۷۴^(۱) افزایش یافته است. نمودار شماره ۱، چگونگی روند شاخصهای فوق در فاصله سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ را نشان می‌دهد. همان طوری که از آمارهای فوق و همچنین روند منحنی نمودار شماره ۱ ملاحظه می‌شود، در سالهای اخیر، بخصوص در سال ۱۳۷۴، شیب منحنی شاخص بهای عمده فروشی کالاها و خدمات وارداتی و تولید شده داخلی، بسیار تندتر شده است؛ هرچند که با اعلام تثبیت نرخ دلار در اوایل سال جاری، منجر به کاهش شاخص بهای عمده فروشی کالاها و خدمات صادراتی گردیده و سایر شاخصها نیز، به طور مقطعی متأثر از آن، مواجه با تغییرات مقطعی شده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان ادعان داشت، که روند عمومی شاخص بهای عمده فروشی کالاها در کشور، در گروههای عمده، طی سالهای گذشته روندی صعودی داشته و در سالهای اخیر، پس از اتمام جنگ تحمیلی و اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی، روند صعودی فزاینده تری داشته است.

بخش دوم - بررسی روند شاخص بهای عمده فروشی گروههای اصلی کالاها در ایران

بررسی روند شاخص قیمت عمده فروشی گروههای اصلی کالاها، طی سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ نشان می‌دهد که شاخص قیمت عمده‌فروشی مواد شیمیایی و پتروشیمی با ضریب اهمیت ۲/۶ درصد از ۱۰۰ در سال ۱۳۶۹ به ۷۱۰/۵ در سال ۱۳۷۴ و شاخص بهای عمده‌فروشی ماشین‌آلات از ۱۰۰ در سال ۱۳۶۹ به ۵۸۶/۶ در سال ۱۳۷۴ و مواد خوراکی با ضریب اهمیت ۳۵/۷۶ درصد از ۱۰۰ در سال ۱۳۶۹

جدول شماره ۱ - متوسط سالانه شاخص کل بهای عمده فروشی کالاها در ایران طی سالهای ۱۳۴۰-۷۴

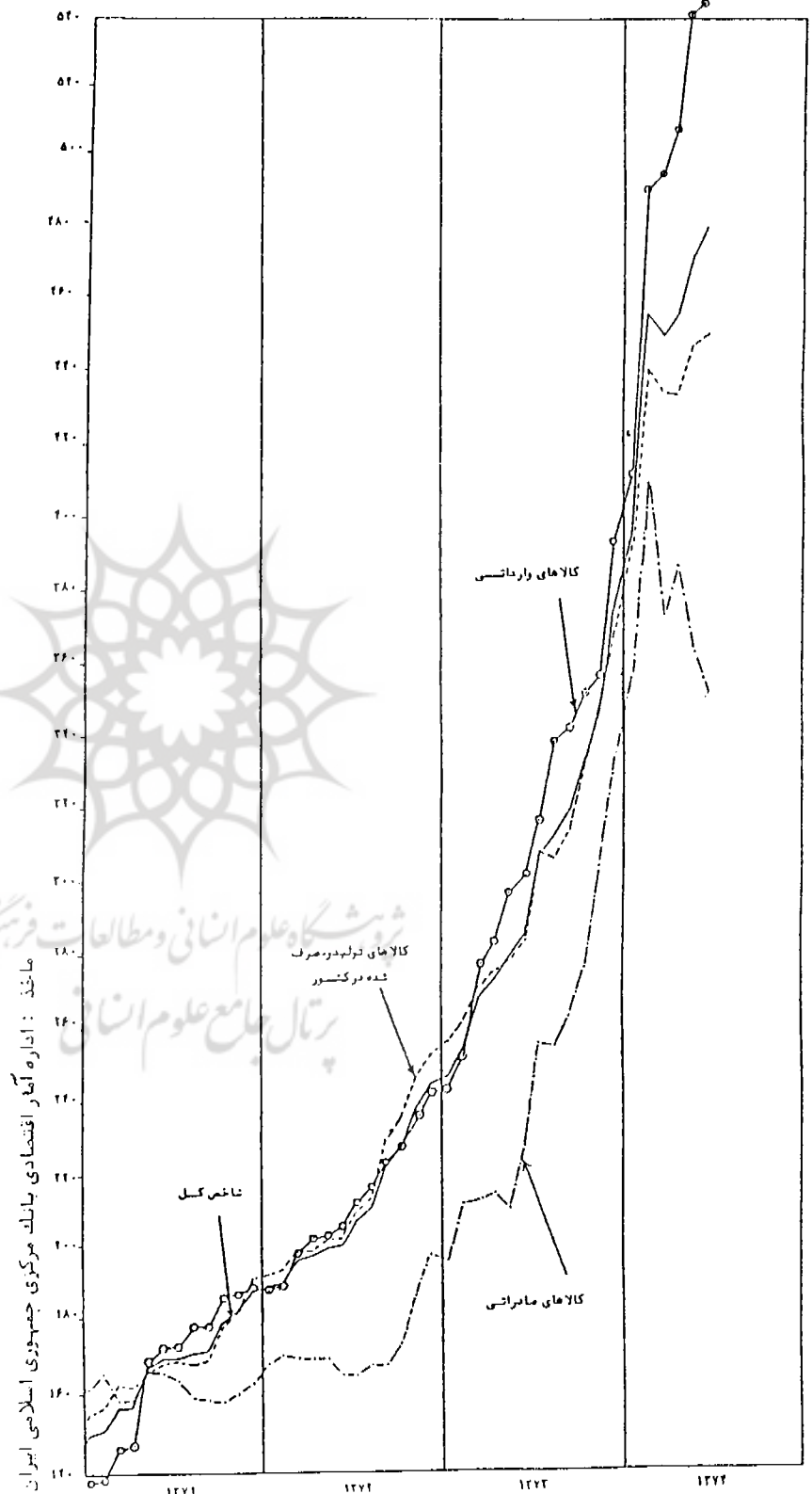
متوسط شاخص	شرح
۵	۱۳۲۰
۵/۲	۱۳۲۵
۶/۲	۱۳۵۰
۸/۷	۱۳۵۲
۹/۲	۱۳۵۲
۱۳	۱۳۵۷
۱۵/۶	۱۳۵۸
۲۰/۲	۱۳۵۹
۲۲/۲	۱۳۶۰
۲۷/۶	۱۳۶۱
۲۹/۸	۱۳۶۲
۳۱/۱	۱۳۶۲
۳۳/۲	۱۳۶۲
۳۳/۱	۱۳۶۵
۵۵/۹	۱۳۶۶
۶۸/۱	۱۳۶۷
۸۰/۷	۱۳۶۸
۱۰۰	۱۳۶۹
۱۳۲/۶	۱۳۷۰
۱۶۸/۹	۱۳۷۱
۲۱۱/۷	۱۳۷۲
۲۰۱/۲	۱۳۷۳
۲۵۰/۹	۱۳۷۴*

(۱۰۰ - ۱۳۶۹)

مأخذ: گزارش شهریور ۱۳۷۴، شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها در ایران، مدیریت انارهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

* متوسط ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۴ منظور شده است.

نمودار شماره ۱ شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران (۱۰۰ = ۱۳۶۹)



به ۳۹۲/۶ در سال ۱۳۷۴ افزایش یافته است (جدول شماره ۲). چنانچه ملاحظه می‌شود، شاخص بهای عمده‌فروشی مواد خوراکی، در فاصله سالهای فوق، همواره کمتر از شاخص کل بوده است.

بخش سوم - بررسی روند شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (خرده‌فروشی) در مناطق شهری

بررسی روند متوسط شاخص سالانه بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری نشان می‌دهد که در مناطق شهری، شاخص فوق از ۱۰۰ در سال ۱۳۶۹ به ۳۴۹/۵ در سال ۱۳۷۴ افزایش یافته است. به عبارت دیگر، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که نشان دهنده چگونگی روند قیمت کالاها و خدمات مورد مصرف (خرده‌فروشی) خانوارهای شهری می‌باشد، در فاصله یک دوره پنجساله، تقریباً ۳/۵ برابر رشد داشته است، که با بررسی گروههای اصلی شاخص فوق، که در جدول شماره ۳ - آمده است، امکان مقایسه آنها با یکدیگر فراهم می‌باشد.

چنانچه از اطلاعات جدول فوق، استفاده می‌شود؛ متوسط شاخص خرده‌فروشی، مربوط به گروه خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات، برخلاف ارقام جدول شماره ۲ - از متوسط کل در طول دوره‌های مورد بررسی بیشتر است. همچنین پس از شاخص بهداشت، بزرگترین شاخص، متعلق به گروه خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات می‌باشد.

از مقایسه شاخص عمده و خرده‌فروشی گروه خوراکیها، در جداول شماره ۲ و ۳، می‌توان نتیجه گرفت که به دلایل متعدد (گرایش به سود و بازدهی بیشتر سرمایه، پیچیدگی سیستم توزیع، تعدد در مراحل توزیع از عمده‌فروشی تا خرده‌فروشی، گسترش و توسعه صنوف توزیع کننده و ...)، سطح عمومی قیمت در بخش توزیع محصولات و فرآورده‌های خوراکی منورتر شده است. مقایسه شاخص کل بهای عمده‌فروشی و شاخص کلی بهای کالاها و خدمات مصرفی نیز، نشان دهنده ایجاد شکاف در روند دو بازار می‌باشد. (نمودار شماره ۲)

چنان که ملاحظه می‌شود، رشد شاخص کل عمده‌فروشی کالاها در ایران از سالهای ۷۰ - ۱۳۶۹ از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق

شهری کشور بیشی گرفته است. به طوری که، در سال ۱۳۷۳ و در ماههای نیمه اول سال ۱۳۷۴، اختلاف فی مابین دو شاخص عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، بیشتر نمایان شده است.

شایان ذکر است؛ چنانچه در نمودار شماره ۳ مشاهده می‌شود، روند شاخصهای مورد بررسی و شیب منحنی مربوط به آن، از اواخر سال ۱۳۷۳، سیر بسیار تندتر و با شتابتری را پیش گرفته‌اند؛ لیکن تصمیم دولت، مبنی بر تثبیت نرخ دلار، در اوایل سال جاری، شوک مقطعی خود را بر روند فوق نیز، وارد نموده است. چنان که در روند شاخص عمده‌فروشی کالاها نیز،

همین آثار ملاحظه گردید.

بخش چهارم - مقایسه روند شاخص بهای برخی کالاهای مصرفی (گروه خوراکیها و ...) در مناطق شهری

چنانکه در جدول شماره ۴، ملاحظه می‌شود، شاخص کلی بهای کالاها و خدمات مصرفی (خرده‌فروشی)، در مناطق شهری از ۱۰۰ در سال ۱۳۶۹ به متوسط ۳۴۹/۵ در ۶ ماهه اول سال جاری، رسیده است و شاخص خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات با ضریب اهمیت ۳۷/۳۳ به ۴۰۷/۴ رسیده است.

جدول شماره ۲ - شاخص بهای عمده‌فروشی گروههای اصلی کالاها در ایران طی سالهای (۷۴ - ۱۳۶۹)

شرح	ضریب اهمیت	دوره‌های مورد بررسی				
		۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳
شاخص کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۲۶/۶	۱۶۸/۹	۲۱۱/۷	۳۰۱/۴
مواد خوراکی	۳۵/۷۶	۱۰۰	۱۲۵/۴	۱۵۷/۱	۱۸۵	۲۵۳/۷
نوشابه‌ها و دخانیات	۱/۰۲	۱۰۰	۱۲۰/۲	۱۳۵/۳	۱۸۵	۲۵۹/۸
گرمهای مواد صنعتی غیر از سوختی	۴/۴۱	۱۰۰	۱۲۵/۶	۱۲۹/۲	۱۸۰/۱	۲۹۰/۵
اسلی سوختهای معدنی و فرآورده‌های آن	۳/۲۱	۱۰۰	۱۴۲/۹	۱۸۱/۸	۲۴۲/۵	۳۵۸/۲
مواد شیمیایی و پتروشیمی	۲/۶	۱۰۰	۱۲۲/۶	۱۸۷/۲	۲۷۶/۶	۵۳۹/۱
مصنوعات برحسب مواد اولیه	۳۳/۸۹	۱۰۰	۱۲۴/۳	۱۶۶/۳	۲۰۰/۹	۲۸۷
ماشین‌الات و وسایط نقلیه	۱۷/۶۳	۱۰۰	۱۳۰/۶	۲۰۱/۲	۲۶۵/۷	۳۸۱

مأخذ: همان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

* شاخص‌های سال ۱۳۷۲ مربوط به متوسط ۶ ماهه اول سال می‌باشد

جدول شماره ۳ - شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (خرده‌فروشی) در مناطق شهری کشور

شرح	ضریب اهمیت	دوره‌های مورد بررسی				
		۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳
شاخص کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۲۰/۷	۱۵۰/۱	۱۸۴/۴	۲۴۹/۳
خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات	۳۷/۳۳	۱۰۰	۱۲۴/۴	۱۶۰/۱	۱۹۷	۲۷۰/۷
پوشاک	۱۱/۱۴	۱۰۰	۱۱۲/۳	۱۲۴/۱	۱۴۲/۳	۱۹۸/۲
گرمهای مسکن، سوخت و روشنایی	۲۵/۱۸	۱۰۰	۱۱۹/۷	۱۵۰/۲	۱۷۸/۵	۲۱۵/۶
اسلی اثاث و کالاها و خدمات مورد استفاده درخانه	۷/۱۶	۱۰۰	۱۰۶/۲	۱۱۹/۵	۱۴۴/۵	۲۰۵/۹
حمل و نقل و ارتباطات	۷/۹۳	۱۰۰	۱۳۳/۶	۱۶۳/۵	۱۹۷/۴	۲۸۵/۶
درمان و بهداشت	۳/۹۴	۱۰۰	۱۳۰/۲	۲۰۱	۲۸۶/۸	۳۰۴/۲
تفریحات و تحصیل و مطالعه	۲/۰۲	۱۰۰	۱۰۷/۵	۱۲۰/۸	۱۵۸	۲۳۴/۳
کالاها و خدمات متفرقه	۵/۳	۱۰۰	۱۱۵/۲	۱۳۱/۳	۱۸۰	۲۶۰/۱

مأخذ: گزارش شهریورماه ۱۳۷۴ - شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری اداره آمار اقتصادی - مدیریت کلی

آمارهای اقتصادی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

* شاخص‌های سال ۱۳۷۴ مربوط به متوسط ۶ ماهه سال جاری می‌باشد.

بخش پنجم - تجزیه و تحلیل روند شاخصهای بهای عمده فروشی و خرده فروشی

با عنایت به مطالب ارائه شده، که به منظور شناسایی و بررسی روند عمومی قیمتتها انجام شد، ملاحظه گردید که بررسی روند گذشته شاخصها، بیانگر صعودی بودن منحنیهای مربوطه است، لیکن شیب آن همواره مثبت ولی متفاوت بوده است. هرچند در دو شاخص معرفی شده عمده فروشی و خرده فروشی، شاخص کل عمده فروشی، رشد شدیدتری را نشان می‌دهد؛ با این حال، با توجه به موارد فوق، نتایج زیر را به طور خلاصه جمع‌بندی می‌شود.

۱- روند شاخصهای عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، در سالهای مورد بررسی، همواره صعودی بوده است. این امر، خاص افزایش شاخص مربوط به گوشت و برخی اقلام جانشین آن نبوده است.

۲- سالهای پس از جنگ تحمیلی و شروع برنامه اول توسعه، نقطه عطف صعود تمامی شاخصها به شمار می‌رود، که ناشی از اتمام جنگ تحمیلی و اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاریهای زیربنایی است.

۳- بررسی و مقایسه شاخص کل عمده فروشی نشان می‌دهد، شاخص عمده فروشی رشد فزاینده‌ای نسبت به شاخص خرده فروشی، در سالهای اخیر، داشته است.

۴- اجرای سیاستهای تثبیت نرخ دلار در سال جاری، شوک مقطعی به روند شاخصها وارد ساخته است.

۵- در شاخصهای خرده فروشی، شاخص مربوط به تمامی کالاها و خدمات به یک میزان رشد نکرده‌اند.

بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که ساختار بازار گوشت از پتانسیل و ظرفیت رشد شاخص قیمت برخوردار می‌باشد به عبارت دیگر، به صورت بالقوه زمینه‌های افزایش قیمت تمامی کالاها و خدمات در بازار کالاها و خدمات، در اقتصاد ایران، در حال حاضر، نهادی شده است و افزایش قیمت، یک نتیجه طبیعی و منطقی و از مشخصات و ویژگیهای بازار به شمار می‌رود. لیکن سؤالی که مطرح می‌گردد، این است که

تغییرات شاخص بهای مصرفی اغلب کالاها و اقلام خوراکی زیر گروه خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات، در شهریور ۱۳۷۴، نسبت به شهریور ۱۳۷۳، بیش از متوسط تغییرات شاخص کل و متوسط تغییرات شاخص گروه خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات بوده و شاخص بهای گوشت قرمز، مرغ و ماهی، از جمله مواردی بوده که متوسط تغییر شاخص آن در شهریور ۱۳۷۴، نسبت به شهریور ۱۳۷۳، کمتر از متوسط شاخص گروه و بیشتر از شاخص کل بوده است.

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که در گروه خوراکیها، شاخص مربوط به نان، برنج و فرآورده‌های غلات، در شهریورماه، علیرغم این که گندم و نان در کنترل دولت قرار داشت، از متوسط شاخص گروه بیشتر بوده و پس از آن، شاخص مربوط به گوشت قرمز، مرغ و ماهی و سپس شاخص لبنیات و تخم‌مرغ و ... بوده است.

شایان ذکر است که بنابر ارقام جدول شماره ۵،

جدول شماره ۴ - مقایسه روند شاخص بهای برخی کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری

شرح	ضریب اهمیت	دوره‌های مورد بررسی					
		۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴
شاخص کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۲۰/۷	۱۵۰/۱	۱۸۲/۴	۲۲۹/۳	۲۴۹/۵
۱- خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات	۳۷/۳۲	۱۰۰	۱۲۲/۲	۱۶۰/۱	۱۹۷	۲۷۰/۷	۳۰۷/۲
۱-۱ گوشت قرمز، مرغ و ماهی	۸/۳۶	۱۰۰	۱۴۰/۸	۱۹۶/۵	۲۴۱/۷	۲۹۱/۶	۳۲۵/۲
۱-۲ نان، برنج و فرآورده‌های غلات	۶/۷۲	۱۰۰	۱۱۳/۸	۱۲۲/۷	۱۷۹/۴	۲۵۱/۴	۳۲۵/۸
۱-۳ میوه‌ها و سبزیها	۱۰/۰۱	۱۰۰	۱۲۱/۵	۱۵۲/۶	۱۷۸/۴	۲۳۴/۹	۳۲۶/۳
۱-۴ لبنیات و تخم‌مرغ	۳/۷۹	۱۰۰	۱۳۲/۲	۱۸۷/۵	۲۵۲/۵	۳۳۵/۸	۳۴۲/۷

مأخذ: گزارش شاخص بهای کالاها و خدمات اداره آمار اقتصادی - مدیریت کل آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
 * - آمار مربوط به متوسط ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۴ می‌باشد.
 ** - آمار مربوط به شهریور ۱۳۷۴ می‌باشد.

گروه‌های شاخص	شاخص شهریور ۱۳۷۴	درصد تغییرات شاخص شهریور ۱۳۷۴ نسبت به ماه مشابه سال قبل
شاخص کل	۲۶۲/۴	۵۰/۵
خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات	۴۱۴/۴	۶۲/۲
خوراک	۲۱۷/۶	۶۲/۴
غذا در خانه	۲۳۸/۲	۴۴
نان، برنج و فرآورده‌های غلات	۲۵۸/۸	۹۶/۶
حبوبات	۲۶۹/۸	۱۴۲/۱
لبنیات و تخم مرغ	۲۴۲/۲	۲۷/۲
گوشت قرمز، مرغ و ماهی	۲۵۲/۴	۵۲/۹
میوه‌ها و سبزیها	۲۳۶/۳	۷۵/۵
میوه‌ها و سبزیهای تازه	۲۱۷/۳	۷۵/۶
روغن حیوانی و نباتی و کره	۶۴۳/۳	۱۹۴/۹
غذا در خارج از خانه	۳۹۵/۵	۴۷/۶
آشامیدنیها	۲۹۹/۹	۲/۱
دخانیات	۳۷۲/۱	۷۰/۲

مأخذ: گزارش شهریورماه ۱۳۷۴ - شاخص بهای کالاها و خدمات - مدیریت کل آمارهای اقتصادی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

عوامل ساختاری و غیرساختاری که منجر به نهادینه شدن وضعیت سیر فزاینده و رشد قیمت‌ها شده است، چه می‌باشد؟ این مسأله در خصوص بازار گوشت، در فصل بعد، به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل دوم - بررسی عوامل ساختاری در تعیین قیمت گوشت قرمز

براساس مبانی اقتصادی، قیمت کالا در بازار، از برخورد عرضه و تقاضا دیکته می‌شود. عرضه نماینده هزینه‌های تولید و تقاضا نماینده ترجیحات مصرف کنندگان، از مصرف آن محصول، می‌باشد و از این نقطه علایم مربوطه، جهت افزایش یا کاهش تولید و تقاضا به عوامل تأثیرگذار مخابره می‌شود. مطلب فوق، ترسیم چگونگی تعیین قیمت در یک بازار با تساط سیستم و مکانیزم قیمت می‌باشد. معیناً، این مکانیزم در بازار برخی کالاها و محصولات و به خصوص اقلام اساسی خوراکی که در ایران تولید و مورد مصرف قرار می‌گیرند، از طریق اهرمهای

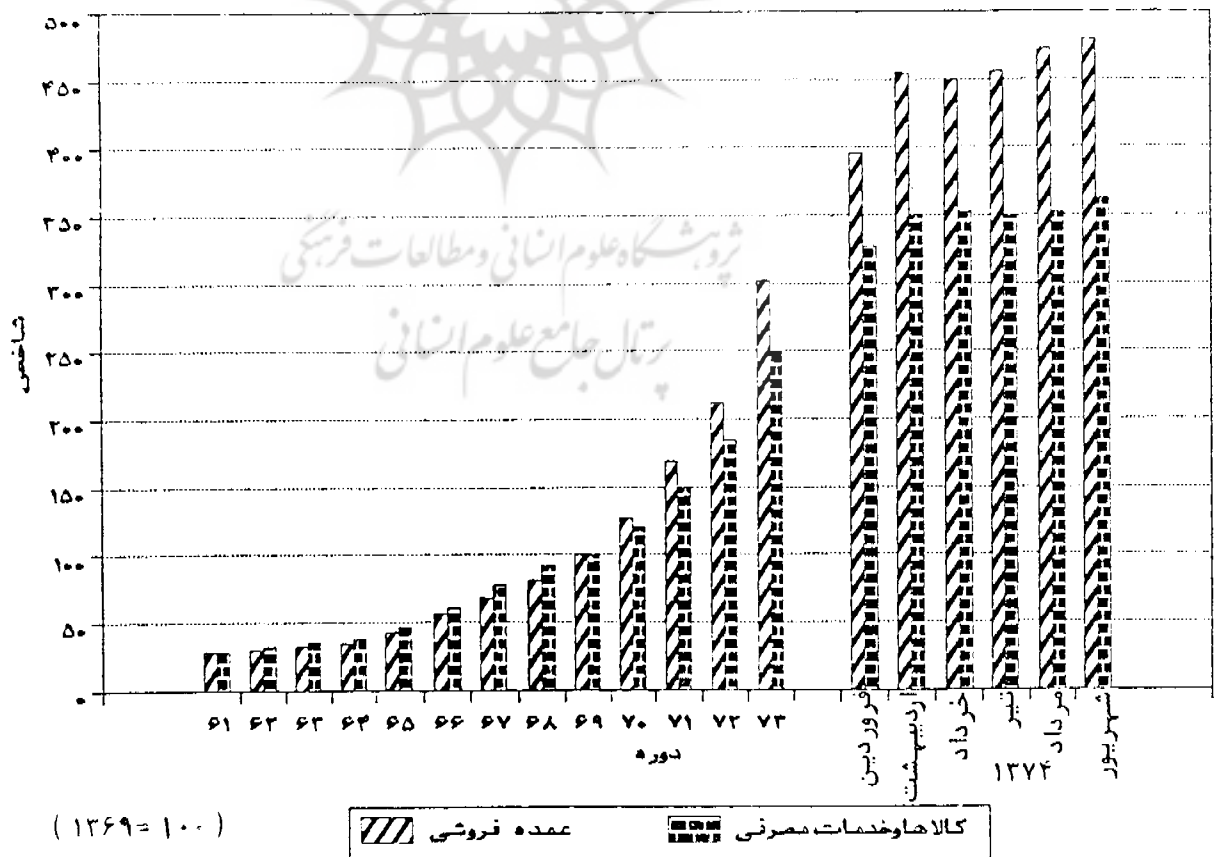
مختلف دخالت مستقیم و غیرمستقیم دولت متأثر شده است و از عمل نمودن کامل آن مکانیزم، جلوگیری به عمل می‌آید.

در حال حاضر، بازار گوشت قرمز کشور نیز، از وضعیت فوق مستثنی نیست. هرچند، تولیدکنندگان و مصرف کنندگان در بازار مستقیماً حضور دارند، لیکن دولت بر حسب مورد، با اتخاذ و اجرای برخی سیاستهای اقتصادی، نسبت به چگونگی تأثیر کامل مکانیزم قیمت بر فرآیند تولید و مصرف، تأثیر می‌گذارد. شایان ذکر است اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی، در چند سال اخیر، رفته رفته موقعیت دولت را در بازار اغلب محصولات دچار تحول نموده است؛ به طوری که اکنون، دولت فقط در بازار تعداد محدودی از محصولات غذایی، به طور مستقیم، دخالت می‌نماید. بسدین ترتیب، برخلاف دخالت مستقیم و غیرمستقیم دولت، در بازار گوشت، به لحاظ نوع ساخت نظام بهره‌برداری در بخش و تعدد مصرف کنندگان از یک سو و ناکارایی و فراگیر و دایمی نبودن

روشهای تنظیم بازار گوشت توسط دولت، از سوی دیگر، بازار این محصول متأثر از ساختار اقتصاد ملی، مواجه با سیر فزاینده قیمت انواع گوشت قرمز می‌باشد. با فرض عدم تأثیرپذیری بلندمدت بازار گوشت قرمز از سیاستهای مقطعی تنظیم بازار این محصول، می‌توان دو عامل اصلی را، در افزایش قیمت گوشت قرمز در نظر گرفت و مورد بررسی قرار داد. این دو عامل عبارتند از: فشار ناشی از عرضه و فشار ناشی از تقاضای گوشت قرمز. در این فصل، تلاش می‌گردد تا ساختار بخش عرضه و تقاضای گوشت قرمز، به اختصار مورد بررسی قرار گرفته، عوامل اصلی و فرعی در تعیین فزاینده شدن قیمت آن، مورد سنا سبایی قرار گیرد.^(۲)

بخش اول - بررسی ساختار عرضه گوشت قرمز

بخش عرضه، منشوری از متغیرهای اقتصادی است که تجسم عینی آن در بازار، میزان و کمیت



نمودار شماره ۲: شاخص‌های عمده فروشی کالاها در ایران و شاخص‌های کالاها و خدمات مصرفی در مناطقی شهری کشور طی سالهای ۱۳۶۱-۷۴

مآخذ: اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

محصول ارائه شده می‌باشد. لیکن عوامل اصلی و فرعی مختلفی در بخش عرضه، قابل شناسایی است که می‌توان در صورت شناخت آن، امکان تعیین آثار ناشی از تحولات بخش را ارزیابی نمود.

در بخش عرضه، به مباحث مربوط به وضعیت تولید، یارانه (سوبسید) دولت، ساختار هزینه تولید، واردات و صادرات، شبکه توزیع دولتی و غیردولتی به اختصار اشاره خواهد شد. سعی می‌شود که آثار هر یک از متغیرهای فوق، در بازار محصول (گوشت) تجزیه و تحلیل شود.

الف - بررسی وضعیت تولید و واردات و صادرات

براساس آمار رسمی وزارت جهادسازندگی، تولید گوشت قرمز در سال ۱۳۶۳، معادل ۴۶۰ هزار تن برآورد شده است. این رقم در سال ۱۳۶۸، به ۵۶۰ هزار تن و در سال ۱۳۷۴، پیش‌بینی شده است به ۶۷۰ هزار تن افزایش یابد.

بررسی ارقام فوق، روند تولید و واردات در سالهای مورد بررسی را نشان می‌دهد که تولید، رشد داشته و واردات کاهش یافته است، یعنی تا حدود قابل توجهی، افزایش تولید، کاهش واردات را جبران نموده است. لیکن به لحاظ افزایش جمعیت، در فاصله سالهای مورد بررسی، طبعاً عرضه سرانه کاهش یافته است. حال سؤال این است که این کاهش عرضه سرانه از حدود ۱۳/۹ کیلوگرم به حدود ۱۱ کیلوگرم در سال ۱۳۷۴، در چه میزان، در افزایش قیمت گوشت قرمز، مؤثر بوده است؟ (در ادامه این گزارش بررسی خواهد

شد). گفتنی است که براساس آمار رسمی موجود در سالهای مورد بررسی، تولید سایر اقلام پروتئین حیوانی همچون مرغ، تخم‌مرغ و شیر و ماهی، افزایش قابل توجهی داشته است. به طوری که تولید مرغ از ۲۷۰ هزار تن در سال ۱۳۶۳، به ۶۲۰ هزار تن در سال ۱۳۷۴ افزایش خواهد یافت. این می‌تواند، بخش قابل توجهی از کمبود گوشت قرمز را جبران نماید، لیکن بازار گوشت قرمز با عنایت به ساختار خودش بررسی خواهد شد.

ب - بررسی وضعیت عرضه دولتی گوشت قرمز

براساس آمارهای ستاد بسیج اقتصادی وزارت بازرگانی، تعداد کوبین توزیع شده گوشت قرمز مناطق شهری، در فاصله سالهای گذشته، کاهش یافته است. به طوری که در سال ۱۳۶۷، تعداد ۱۳ کوبین شهری برای گوشت اعلام گردید. در حالی که در سال ۱۳۷۳، تعداد ۴ کوبین برای توزیع گوشت قرمز اختصاص یافته است.

همچنین، براساس آمار شرکت سهامی گوشت کشور، مقدار گوشت توزیع شده بین خانوارها در سال ۱۳۶۳، معادل ۱۶۵ هزار تن بوده است، که این رقم در سال ۱۳۷۳ به ۶۰ هزار تن کاهش یافته است (۳). بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که در فاصله سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۴ ساختار توزیع گوشت قرمز که رقم قابل توجهی توسط دولت از طریق سیستم سهمیه‌بندی و کوبین توزیع می‌شده؛ در سالهای اخیر، به تدریج به بازار آزاد سپرده شده است.

ج - بررسی وضعیت یارانه اعطایی به تولید گوشت قرمز

در فاصله سالهای اخیر، در راستای اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی، بخش قابل ملاحظه‌ای از یارانه (سوبسید) اعطایی به بخش تولید، حذف شده است که آمار دقیقی از میزان آن در دسترس نیست. اهم آن به شرح زیر بوده است:

- ۱ - خرید و توزیع خوراک دام و علوفه ارزان قیمت به تولیدکنندگان
- ۲ - بهره‌برداری از مراتع کشور به صورت رایگان
- ۳ - اعطای تسهیلات اعتباری ارزان قیمت به تولیدکنندگان
- ۴ - اعطای داروی ارزان قیمت به تولیدکنندگان
- ۵ - ارائه خدمات بهداشتی و درمانی مجانی به تولیدکنندگان
- ۶ - اجرای طرحهای زیربنایی تولیدی
- ۷ - انجام پروژه‌های تحقیقاتی
- ۸ - ارائه آموزشهای حرفه‌ای و ترویج روشهای نوین تولید

دولت، اغلب کمکها و تسهیلاتی که در گذشته، در قالب موارد فوق و در راستای حفظ وضع موجود و افزایش تولید گوشت قرمز ارائه می‌داده است، در حال حاضر، تغییر داده یا کمتر کرده است. به عنوان مثال، ارائه ردیفهای ۱ و ۳ و ۴ و ۵ به شدت کاهش یافته و مورد ۳ نیز، محدود گشته است. هرچند که موارد ۶ و ۷ و ۸ در دستور کار جدی دولت قرار گرفته است، که آثار آن، در تولید، به زودی قابل رؤیت نمی‌باشد.

بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت، علیرغم این که نظام بهره‌برداری در بخش امور دام متنوع می‌باشد، لیکن حجم خدمات ارائه شده توسط دولت به بدنه فعالیتهای تولیدی امور دام، رقم قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهد که کاهش آن، ساختار هزینه تولید را به طور قطع، دستخوش تغییراتی نموده است.

د - ساختار هزینه تولید گوشت قرمز

براساس محاسبات انجام شده که در جدول شماره ۷ آمده است، سهم هزینه خوراک در افزایش هر کیلو وزن گوسفند پروراری در سال ۱۳۷۴، حدود ۶۸ درصد و برای گوساله پروراری ۶۳ درصد بوده است. همچنین، سهم هزینه برسنلی به ترتیب ۱۲ و

جدول شماره ۶ - تولید و عرضه کل گوشت قرمز واحد شاخص هزار تن

ردیف	شرح	دوره‌های مورد بررسی										
		۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳
۱	تولید کل گوشت	۶۶۰	۵۰۰	۵۱۰	۵۱۰	۵۱۰	۵۱۰	۵۱۰	۵۱۰	۵۱۰	۵۱۰	۵۱۰
۲	واردات گوشت قرمز	۲۰۵	۱۶۸	۱۸۲	۱۴۰	۱۲۸	۱۱۶	۱۲۹	۱۵۰	۵۹	۹۹	۵۶۶
۳	صادرات گوشت قرمز	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۵۱۲/۵
۴	عرضه کل	۶۶۵	۶۶۸	۶۸۲	۶۵۵	۶۶۳	۶۷۶	۶۷۵	۶۷۵	۶۷۶	۶۷۶	۶۹۲
۵	عرضه سرانه (کیلوگرم)**			۱۳/۹								

مأخذ: ردیفهای ۱ و ۲ - وزارت جهادسازندگی

ردیف ۲ - مرگ جمهوری اسلامی ایران

* ارقام پیش‌بینی و برآورده شده است.

** واحد شاخص در عرضه سرانه با کیلوگرم محاسبه شده است

۱۴ درصد برآورد شده است. به عبارت دیگر، سهم هزینه خوراک و پسرسل در افزایش هر کیلو وزن گوسفندپروراری ۸۰ درصد و در افزایش هر کیلو وزن گوساله پروراری حدود ۷۷ درصد بوده است، که با عنایت به اهمیت دو بخش هزینه یاد شده در ساختار هزینه تولید گوشت قرمز، بدین ترتیب، افزایش یا کاهش سطح قیمت آنها، اثر مشخص فزاینده‌ای در هزینه تولید ایجاد خواهد نمود. چنانچه در جدول زیر مشاهده می‌شود، هزینه یک واحد خوراک گوسفندپروراری در سال ۱۳۷۰، معادل ۶۰۰ ریال بوده است که در سال ۱۳۷۴ با ۲۷۰ درصد رشد، به ۲۲۲۰ رسیده است. هزینه یک واحد خوراک گوساله پروراری نیز، در سال ۱۳۷۰ معادل ۶۴۵ ریال بوده، که در سال ۱۳۷۴ با ۱۹۷ درصد رشد به ۱۹۱۵ ریال افزایش یافته است. ارقام جدول شماره ۷ به خوبی نشان می‌دهد، ریز هزینه‌های تشکیل دهنده هر کیلو اضافه وزن در سیستم پروراندی گوسفند و گوساله از چه روند فزاینده‌ای طی سالهای (۷۴ - ۱۳۷۰) برخوردار بوده

است. این امر سبب گردید، تا هزینه لازم برای تولید هر کیلو اضافه وزن در سالهای مورد بررسی، برای گوسفند ۲۸۴ درصد و برای گوساله ۲۵۷ درصد، رشد نماید. همچنین، در نهایت با توجه به سایر هزینه‌های تولید گوشت قرمز، هزینه تولید هر کیلو گوسفند زنده از ۱۰۹۵ ریال در سال ۱۳۷۴ به ۴۴۳۹ در ۶ ماهه اول سال جاری رسیده است و هزینه تولید هر کیلو گوساله پروراری از ۱۱۲۲ ریال در سال ۱۳۷۰ با ۲۸۶ درصد رشد به ۴۲۲۶ ریال افزایش یافته است. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که با ترکیب هزینه‌های فوق، متوسط قیمت یک کیلو گوشت (لاشه) گوسفند از ۲۱۹۱ ریال در سال ۱۳۷۰، با رشدی معادل ۳۰۵ درصد، به ۸۸۷۹ در سال جاری رسیده است و متوسط قیمت یک کیلو گوشت گوساله از ۲۱۶۰ ریال در سال ۱۳۷۰، با رشدی معادل ۲۸۵ درصد، به ۸۳۲۰ ریال در سال ۱۳۷۴ رسیده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت، در شاخه عرضه، عوامل مختلفی به شرح زیر، سبب شده‌اند تا قیمت

گوشت در بازار، دستخوش تغییراتی گردد (پاسخ این سؤال که هر کدام به چه میزان در افزایش قیمت موثر واقع شده‌اند و کدام علت اصلی و کدام فرعی است، در انتهای همین فصل مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت):

- ۱ - کاهش عرضه سرانه گوشت قرمز
- ۲ - کاهش یارانه‌های اعطایی دولت به بخش تولید
- ۳ - گرایش به تغییر سیستم توزیع، از سهمیه‌بندی به بازار آزاد
- ۴ - افزایش هزینه‌های تولید

بخش دوم - بررسی ساختار تقاضای گوشت قرمز

همان طور که قبلاً یادآوری شد، قیمت در بازار آزاد، متأثر از عرضه و تقاضا است و از برآیند آنها، قیمت محصول در بازار تعیین می‌گردد. در بخش عرضه، عوامل متعددی ذکر شد. در بخش تقاضا نیز، به عوامل ساختاری تقاضا، اشاره خواهد شد.

جدول شماره ۷ - روند هزینه‌های تولید یک کیلو گوشت گوسفند و گوساله پروراری طی سالهای ۷۴ - ۱۳۷۰

شرح هزینه	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
هزینه خوراک	۶۰۰	۷۷۰	۱۲۹۸	۱۶۴۵	۲۲۲۰	۲۲۲۰	۲۲۲۰	۲۲۲۰	۲۲۲۰	۲۲۲۰
هزینه پسرسل	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰
هزینه دارو و واکسن و سموم	۶۰	۶۰	۶۰	۶۰	۶۰	۶۰	۶۰	۶۰	۶۰	۶۰
هزینه سوخت و آب و برق	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
هزینه پیش‌بینی نشده	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰
هزینه حمل و نقل	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
هزینه استهلاک دستگاه‌های تعمیرات ساختمان و تجهیزات	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
هزینه سرمایه	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
هزینه تلفات	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
درآمد مروری کود (کسری می‌شود)	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
هزینه هر کیلو اضافه وزن	۸۵۲	۱۰۹۵	۱۱۲۲	۱۱۲۲	۱۱۲۲	۱۱۲۲	۱۱۲۲	۱۱۲۲	۱۱۲۲	۱۱۲۲
هزینه هر کیلو وزن زنده بعد از پروراری	۹۶۶	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰
هزینه تمام شده وزن زنده (با ۱۰ درصد سود)	۱۰۹۵	۱۳۲۰	۱۳۲۰	۱۳۲۰	۱۳۲۰	۱۳۲۰	۱۳۲۰	۱۳۲۰	۱۳۲۰	۱۳۲۰
متوسط قیمت یک کیلو گوشت (لاشه)	۲۱۹۱	۲۱۶۰	۲۱۶۰	۲۱۶۰	۲۱۶۰	۲۱۶۰	۲۱۶۰	۲۱۶۰	۲۱۶۰	۲۱۶۰

منبع: وزارت جهادسازندگی، معاونت امور دام - مدیریت طرح و برنامه - اداره بررسیهای اقتصادی

* - آمار مربوط به ماه جاری می‌باشد. (نمایان ذکر است هزینه تولید مندرج در جدول فوق مربوط به هزینه تولید در دامداری‌های روستایی و عشائری نمی‌باشد که با توجه به سیاستهای بخش در خصوص توسعه پروراندیها، منبای محاسبه هزینه تمام شده قرار می‌گیرد)

الف - افزایش جمعیت

براساس آمار اعلام شده، جمعیت کشور از حدود ۴۶ میلیون نفر در سال ۱۳۶۳، به حدود ۶۲ میلیون نفر در سال ۱۳۷۴، رسیده است. این عامل می‌تواند به مثابه یکی از اهرمهای فشار، بر تقاضای گوشت قرمز، تلقی شود^(۴).

ب - تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی

براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در فاصله سالهای ۷۲ - ۱۳۶۳ در الگوی مصرفی مواد غذایی مناطق شهری، تغییرات قابل ملاحظه‌ای صورت پذیرفته است. به طوری که مصرف سرانه سایر اقلام پروتئین حیوانی، شامل مرغ و تخم‌مرغ و شیر و همچنین نان و سیب‌زمینی افزایش یافته است.

ج - تغییر در ترجیحات مصرفی

براساس نتایج آمارگیری از بودجه خانوار شهری و روستایی مرکز آمار ایران و همچنین نتایج هزینه خانوارها در مناطق شهری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در فاصله ده سال گذشته، سهم هزینه‌های خوراکی، مسکن، تحصیل و ... در بودجه خانوارها، علیرغم افزایش قیمت مواد غذایی، کاهش و دچار تحول شده است. به عنوان مثال، براساس آمار بانک مرکزی، سهم هزینه‌های خوراکی از ۴۰/۷ درصد در بودجه خانوار شهری در سال ۱۳۶۳ به ۳۳/۶ کاهش یافته است. لیکن، سهم هزینه‌های پوشاک، مسکن، درمان و بهداشت، تفریح و تحصیل و مطالعه، افزایش یافته است. هر چند بررسی ارقام فوق، فرصت جداگانه‌ای را می‌طلبد، لیکن به ذکر این نکته بسنده می‌شود، که این تغییر در الگوی مصرفی مردم، نشان دهنده تغییر در ترجیحات و نحوه نگرش مردم به چگونگی تأمین نیازهای زندگی خانوارها، می‌تواند، تلقی گردد.

د - کاهش قدرت خرید مصرف کنندگان : (۵)

براساس ارقام جدول شماره ۸، ملاحظه می‌شود، علیرغم افزایش درآمد سرانه در کشور از ۲۹۹/۰۸ هزار ریال در سال ۱۳۶۳ به ۱۷۱۹/۸ هزار ریال به قیمت‌های جاری در سال ۱۳۷۲، درآمد سرانه به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ که بیانگر قدرت خرید مصرف کنندگان می‌باشد، از ۲۶۴/۸ هزار ریال در سال ۱۳۶۳

به ۲۰۳/۶۴ هزار ریال در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است.

ه - تغییر در شرایط اجتماعی

نظر به این که در فاصله سالهای (۶۷ - ۱۳۵۹)، کشور مواجه با جنگ تحمیلی ناخواسته‌ای بود، در طول جنگ به لحاظ ضرورت در برخی مصارف، همچون مصارف نیروهای نظامی، بیمارستانها و ... که به امر دفاع از کشور مشغول بودند، تغییرات قابل ملاحظه‌ای ایجاد گردید، این امر مستقیماً تقاضای کل گوشت قرمز را اضافه نمود.

بنابراین، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که در شاخه تقاضا (چنان که در شاخه عرضه نیز مشاهده شد)، عوامل مختلفی سبب شده است تا قیمت گوشت را تحت تأثیر قرار دهد، که به شرح زیر خلاصه می‌شود:

۱ - افزایش تقاضا، ناشی از افزایش جمعیت

۲ - گرایش به جایگزینی سایر اقلام غذایی به جای گوشت قرمز

۳ - تغییر در ترجیحات مصرفی مردم در ترکیب بودجه خانوارها

۴ - کاهش قدرت خرید مردم

۵ - تغییر در شرایط اجتماعی و کاهش در بخش تقاضای عمومی

سوآلی که مطرح می‌شود، این است که از میان عوامل فوق، کدامیک در افزایش قیمت نقش اصلی و محوری و کدامیک نقش فرعی و به چه میزان داشته است؟ این موضوع، در فصل سوم به همراه یافته‌های بخش اول فصل اول و دوم، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

فصل سوم - تجزیه و تحلیل آثار ناشی از عرضه و تقاضای گوشت قرمز بر قیمت

با توجه به مطالب دو فصل گذشته، می‌توان نتیجه مباحث را به شرح زیر خلاصه نمود:

۱ - شاخص کل بهای عمده فروشی کالاها سیر صعودی و در سالهای اخیر (۷۴ - ۱۳۶۷)، رشد سریعتری داشته است.

۲ - روند شاخص بهای عمده فروشی کالاها، نسبت به روند شاخص خرده‌فروشی در مناطق شهری در سالهای اخیر، رشد بیشتری نموده است.

۳ - روند شاخص بهای عمده فروشی مواد خوراکی، کمتر از شاخص کل بهای عمده فروشی رشد کرده است.

۴ - روند شاخص بهای خرده‌فروشی خوراکیها، بیشتر از شاخص کل بهای خرده‌فروشی رشد نموده است.

۵ - روند شاخص بهای خرده‌فروشی گوشت قرمز، مرغ و ماهی بیشتر از شاخص کل بهای خرده‌فروشی رشد نموده است.

۶ - شاخص بهای خرده‌فروشی گوشت قرمز، مرغ و ماهی، کمتر از شاخص بهای خرده‌فروشی اغلب اقلام خوراکیها، نسبت به سال گذشته، رشد نموده است.

۷ - در بخش عرضه گوشت قرمز، عوامل ذکر شده در "فصل اول بند د" سبب ایجاد تغییراتی در قیمت این محصول شده است.

۸ - در بخش تقاضای گوشت قرمز، عوامل ذکر شده در "فصل دوم بند ه" سبب ایجاد تغییراتی در قیمت محصول شده است.

بدین ترتیب، نتایج یافته‌های فصول گذشته، در قالب موارد فوق، این امکان را فراهم می‌سازد تا نسبت به تجزیه و تحلیل و یافتن علل اصلی و فرعی افزایش قیمت گوشت قرمز، اقدام شود. آنچه مسلم است، این است که به دلیل ویژگیهای خاص اقتصاد ایران، روند عمومی قیمت‌ها، در دو دهه اخیر، روندی صعودی بوده است. لیکن، بروز جنگ تحمیلی و اتمام آن و همچنین اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی، و توسعه سرمایه‌گذاریهای زیربنایی، دامنه رشد قیمت کالاها و خدمات را، بدون تردید افزایش داده است. لذا، نمی‌توان به دلیل وابستگی هزینه کالاها به یکدیگر، قیمت یک محصول و یا خدمت را جدای از اقتصاد کالبد شکافی نمود. بنابراین نتیجه می‌گیریم، که اگر هیچ اتفاقی در شاخه عرضه و تقاضای گوشت قرمز، از

جدول شماره ۸ - سرانه کشور در سالهای ۱۳۶۳ و

۱۳۷۲ (هزار ریال)

شرح	۱۳۶۳	۱۳۷۲
درآمد سرانه به قیمت جاری	۲۹۹/۰۸	۱۷۱۹/۸
درآمد سرانه به قیمت ثابت	۲۶۴/۸	۲۰۳/۶۴

مأخذ: گزارش اقتصادی و ترانزنامه سالهای مختلف، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اداره بررسیهای اقتصادی

نقطه نظر کمیت رخ نمی‌داد، می‌بایست منتظر افزایش قیمت این محصول می‌بودیم. هرچند که در صورت افزایش قدرت خرید مردم به همان میزان، این انتظار درست نبود که افزایش قیمت، منجر به کاهش مصرف گردد. پس، شرایط اقتصادی کشور، به افزایش قیمت گوشت حکم داده است. اما سوال این است که این

افزایش، تا چه سطحی ناشی از تحولات ایجاد شده در سایر بخشها می‌باشد؟ به طور قطع، تمامی افزایش قیمت گوشت قرمز را، نمی‌توان ناشی از افزایش سطح عمومی قیمت‌های سایر کالاها دانست. بنابراین ساختار عرضه و تقاضا، به میدان تعیین قیمت می‌آیند تا نسبت به میزان دیکته شده، توسط اقتصاد کشور

موضوعگیری نمایند. در صورتی که امر به رعایت اختصار باشد، از میان عوامل مؤثر در شاخه عرضه، که توانست، قیمت‌ها را متأثر سازد در کنار عوامل فرعی کاهش عرضه سرانه، کاهش بارانه‌های (سوبسیدهای) اعطایی و کاهش توزیع سهمیه‌بندی شده گوشت به علت اصلی افزایش هزینه تولید بر خواهیم خورد. بنابراین تصور این است که علت اصلی فشار بر قیمت گوشت از ناحیه عرضه، افزایش هزینه‌های تولید می‌باشد.

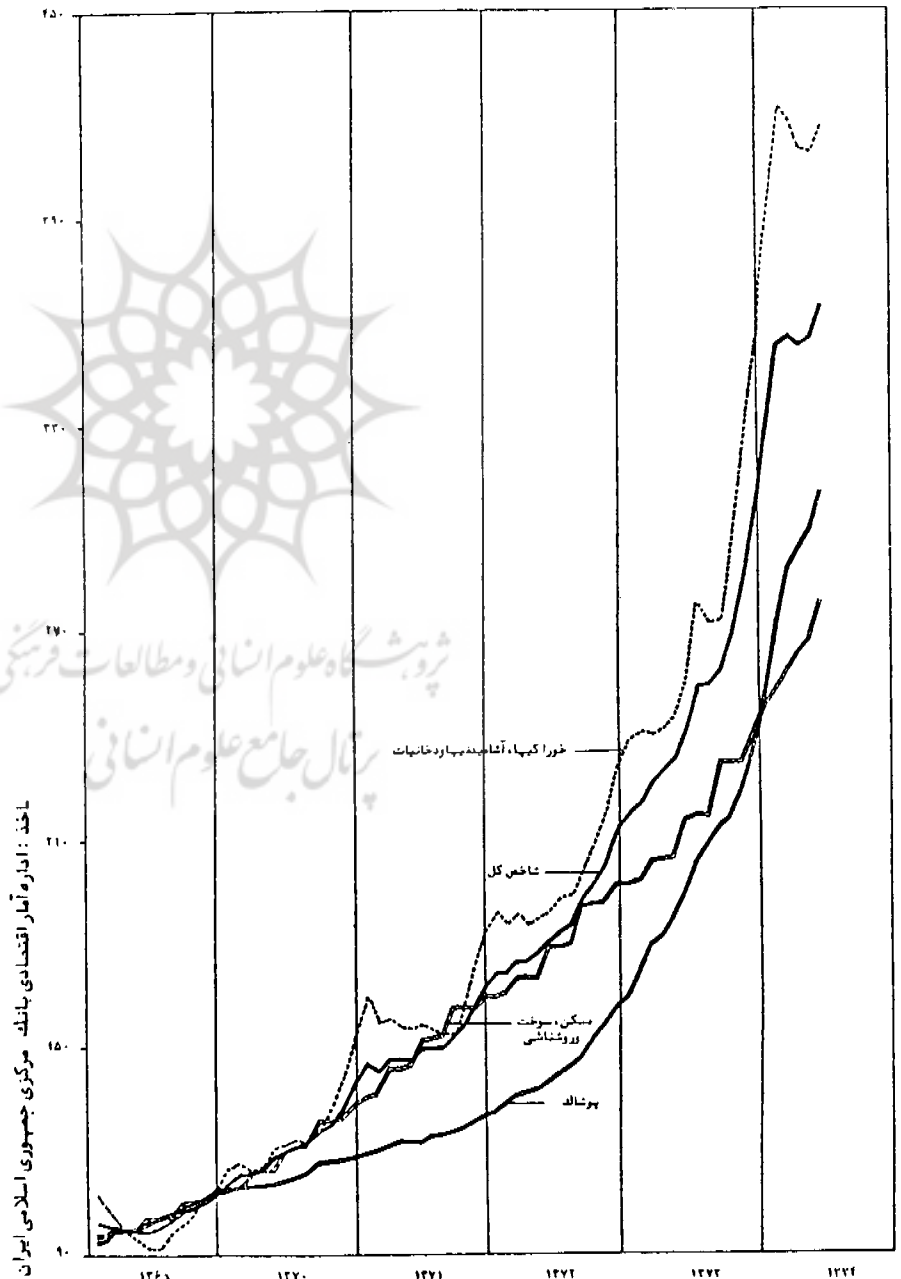
اما، چنانچه با الگوی فوق، عوامل شاخه تقاضا نیز بررسی شود، به نظر می‌رسد در کنار عوامل فرعی، افزایش جمعیت، جایگزینی سایر اقلام خوراکی، تغییر در ترجیحات مصرفی مردم و تغییر در شرایط اجتماعی، اصلی‌ترین عامل رفع فشار بر قیمت از ناحیه تقاضا، کاهش قدرت خرید مردم می‌باشد. به عبارت دیگر، در بستر اقتصاد کشور که با رشد سطح عمومی قیمت‌ها مواجه هستیم، دو عامل مثبت و منفی، سبب دیکته نمودن سطحی از عرضه و تقاضا و بالطبع قیمتی تعادلی و سیال و فزاینده شده است که عوامل افزایش هزینه‌های تولید و کاهش قدرت خرید می‌باشد، این دو جریان، سطح قیمت را به بازار دیکته می‌نمایند. و همگام با رشد عمومی، قیمت‌ها رشد می‌نماید و مقداری را تعبیه می‌نماید که ساختار تولید بخش پاسخگوی آن می‌باشد. در صورتی که مدیریت بخش بخواهد، ساختار بازار گوشت قرمز را دچار تغییرات اساسی نماید، می‌تواند با اتخاذ تدابیر کوتاه مدت و بلند مدت، نسبت به آن اقدام نماید. اقدام دولت در افزایش عرضه گوشت قرمز به دو بعد ممکن است بیانجامد یا واردات انجام گیرد یا ساختار تولید بخش تقویت گردد، که در هر دو حالت، افزایش قدرت خرید مردم در پاسخگویی به هزینه‌های واقعی الزامی است؛ مگر سیاست تزییق بارانه (سوبسید) را جادوانه بدانیم.

● نتیجه گیری

بدین ترتیب، با عنایت به مطالب فوق، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که به طور عمده، افزایش قیمت گوشت قرمز از دو ناحیه متأثر شده است: ناحیه اول عوامل اقتصادی و واقعی بازار که شامل عرضه و تقاضا می‌باشد، این عوامل، به تفکیک اصلی و فرعی

نمودار شماره ۳ : شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی مراکز شهری کشور

(۱۰۰ = ۱۳۶۹)



منبع: اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ارائه شده یک سوم چاه‌های این شهر خشک شده‌اند. در مجموع حدود ۱۰۰ شهر بزرگ و کوچک چین، که بیشتر آنها در نواحی شمالی و ساحلی واقع شده‌اند، در سال‌های اخیر دچار کمبود آب بوده‌اند. در بعضی موارد، مشکل آب مستقیماً از سوء مدیریت و تخریب زمین نشأت می‌گیرد. وقتی باران به زمین می‌رسد، یا بلافاصله به داخل رودخانه‌ها و نهرها سرازیر شده و دوباره به طرف دریا جریان

جدول ۱: کشورهای کم آب جهان ۱۹۹۲

منطقه/کشور	میزان آب تجدیدشدنی به‌ازای هر نفر (مترمکعب)	جمعیت (میلیون)	پیش‌بینی میزان جمعیت در نقطه ثبات جمعیتی (میلیون) ^۲
آسیا			
الجزایر	۷۲۰	۲۶	۷۸
بوتسوانا	۷۱۰	۱	۴
بروندی	۶۲۰	۶	۲۲
مصر	۳۰	۵۶	۱۲۰
کنیا	۵۶۰	۲۶	۱۲۵
لیبی	۱۶۰	۴	۲۶
موریتانی	۱۹۰	۲	۱۴
رواندا	۸۲۰	۸	۶۵
تونس	۴۵۰	۸	۱۸
خاور میانه			
اسرائیل	۳۳۰	۵	۱۰
اردن	۱۹۰	۴	۲۸
کویت	۰	۱	۵
عربستان سعودی	۱۴۰	۱۶	۸۹
سوریه	۵۵۰	۱۴	۶۶
امارات متحده عربی	۱۲۰	۲	۳
یمن	۲۴۰	۱۰	۱۱۰
آفریقا			
بلژیک	۸۴۰	۱۰	۹
مجارستان	۵۸۰	۱۰	۱۰
هلند	۶۶۰	۱۵	۱۴
سنگاپور	۲۱۰	۳	۴

می‌یابد، یا به زمین فرورفته و موجب تقویت رطوبت خاک و ذخایر آب زیرزمینی می‌شود، و یا از طریق تبخیر یا تعرق گیاهان از نوبه جو زمین برمی‌گردد.

تخریب زمین، خواه بر اثر جنگل‌زدایی باشد یا چرای بیش از حد و یا توسعه شهرنشینی، نسبت آبی را که در هر یک از سه مسیر فوق می‌رود تغییر می‌دهد. با کاهش پوشش گیاهی، خاک قدرت جذب و نگهداری آب را از دست می‌دهد. زمین تخریب شده میزان گریز آب را افزایش می‌دهد و از میزان نفوذ آن در خاک و احیای مخازن زیرزمینی می‌کاهد. در نتیجه در فصل‌های خشک میزان رطوبت خاک پایین می‌آید و دسترسی به آب زیرزمینی مشکل‌تر خواهد بود و در فصل‌های پرباران گریز آب شدید شده و موجب تشدید سیل و فرسایش خاک می‌گردد.

نمونه‌های فوق به هیچ وجه مجموعه کاملی از مسایل آبی موجود در دنیای امروز را بیان نمی‌کنند. اما آنها در مجموع تصویر کننده برخی از روشن‌ترین نشانه‌های کم آبی هستند. کم شدن آب مخازن زیرزمینی، افت سفره‌های آب، افزایش سیل و خشک‌سالی، و بودجه‌های بسیار نامتعادل مربوط به آب، نشانه‌های ملموسی از مصرف ناپایدار آب هستند، وضعیتی که آن را نمی‌توان برای همیشه ادامه داد.^۲

بقیه از صفحه ۶۸

آنها، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در شاخه عرضه، عامل هزینه تولید مهمترین و اصلی‌ترین، عامل در افزایش قیمت گوشت قرمز شناخته شد و در شاخه تقاضا کاهش قدرت خرید، سبب شده است، بخش قابل توجهی از مصرف کنندگان از بازار خارج و در نتیجه فشار ناشی از تقاضا را کم نماید. سرانجام عامل فشار هزینه متناسب با مصرف کنندگانی که توانایی خرید را دارند، در قیمت‌های موجود، بازار را به تعادل رسانده است. اما ذکر این نکته ضروری است که با عنایت به سیر فزاینده‌تر شاخص خرده‌فروشی، می‌توان اذعان نمود که افزایش قیمت گوشت قرمز، در سطح خرده‌فروشی، تماماً منحصر به افزایش هزینه تولید نمی‌باشد، بلکه بخشی از آن، ناشی از وجود اختلال در سیستم توزیع این محصول به نظر می‌رسد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- شاخص‌های سال ۱۳۷۴ مربوط به متوسط ۶ ماهه اول سال می‌باشد.
- ۲- شایان ذکر است که در این گزارش به بررسی آثار ناشی از وضعیت کالاهای رقیب و جانین گوشت فرمز اشاره نشده است.
- ۳- رجوع بشود به وزارت جهادسازندگی، معاونت طرح و برنامه‌ریزی، دفتر مطالعات جامع و نظارت، سند شماره ۲۳۳
- ۴- بررسبها نشان می‌دهد که متوسط میزان رشد جمعیت در فاصله سالهای مورد نظر، حدود ۲/۷ درصد متوسط میزان رشد تولید معادل ۳/۸ درصد بوده است. هرچند که مقدار رشد عرضه گوشت قرمز، حدود ۰/۲ درصد بوده است.
- ۵- شایان ذکر است که علاوه بر متغیر قدرت خرید که در میزان تقاضای جامعه تأثیر دارد، چگونگی توزیع درآمد در جامعه نیز از جمله متغیرهای مهمی است که می‌تواند در میزان تقاضای کل، اثر غیرقابل تردیدی داشته باشد. درخصوص تبخیر در الگوی توزیع درآمد که در سالهای اخیر ایجاد شده است، نمی‌توان تقاضای گوشت فرمز را فارغ از این پدیده دانست. در این گزارش به لحاظ طرح اختصار مسأله از تجربه تحلیل روند توزیع درآمد و آثار آن بر مصرف گوشت قرمز، صرف نظر شده است.

۱: منظور کشورهایی است که میزان آب تجدیدشدنی سرانه آنها از ۱۰۰۰ مترمکعب در سال کمتر است. این رقم، آبی را که از کشورهای همسایه وارد این کشورها می‌شود در برنمی‌گیرد. این جدول شش کشور کوچک و مبتلا به کمبود آب را که کل جمعیت آنها حدود ۲/۵ میلیون نفر است، در بر نمی‌گیرد. این کشورها عبارتند از: بحرین، باربادوس، کپ ورد، جیبوتی، مالت و قطر.

۲: پیش‌بینی سازمان ملل که نشان می‌دهد اگر روندهای کنونی باروری و مرگ و میر در جهان همچنان ادامه یابد، جمعیت کشورها در چه سطحی به ثبات خواهد رسید.

منبع: Population Reference Bureau 1992

I Ogalla Formaion

۲- این بخش خلاصه‌ای است برگرفته از کتاب آخرین واحه (Last oasis) که در سال ۱۹۹۲ به قلم خانم ساندراسانتس، از پژوهشگران ارشد مؤسسه ولدراج، به رشته تحریر درآمد و ترجمه فارسی آن در سال ۱۳۷۲ به همت آقایان عبدالعسین وهاب زاده و دکتر امین علویزاده منتشر گردید (م).